

مطبوعات امروز ما^(۱)

حبیب یغمایی

در جوامع بشری که ملتی به مقصد کمال و جهت مطلوب سیر می‌کند و طریق تصاعد و تعالی را می‌پیماید راهنمایی نیرومندتر از مطبوعات آن ملت نیست. استاد و معلم عده‌ای معدود را تربیت می‌کنند، در خانواده‌ها اولیاء هوشیار فرزندان آن خانواده را می‌توانند هدایت فرمایند، دولتیان به زیر دستان خود امر و نهی روا می‌دارند، و هم چنین دیگر موسسات، اما مطبوعات به تمام افراد کشور از عالم و عامی و جوان و پیر و مرد و زن، فکر خود را تحمیل می‌کنند و مردم را به هر راهی که بخواهد می‌کشانند، و اگر نفوذی خاص در کلام‌شان باشد از مرزهای کشور و اجتماع خودشان نیز در می‌گذرد. نویسنده تا چه حد باید دقیق و امین و با وجدان باشد، و چه مایه نباید به عقیده‌ای که دارد و راهی که می‌نماید استوار و پایبر جای ماند که از فکر و قلمش ایمان بتراود که نیروی نفوذ و رخنه در افکار و طبایع را بیابد. اگر نویسنده فکر و قلم خود را به خدمت عوام یا افرادی خاص بگمارد، وقایع و مطیع اراده و خواسته اشخاصی معین

باشد، عرض ادب را در پیشگاه دانشمندان جهان از دست نهاده است و:

قلمی که ببرد، عرض ادب آن قلم را، قلم ببايد کرد

این گونه مطبوعات نه تنها سودی به جامعه نمی‌بخشند بل زیان معنوی و ملی آنان چندان است که به هیچ وسیله جبران پذیر نیست زیرا اذهان یک منطقه را به طوری آلوده می‌کنند و افکار را در تاریکی و ظلمت فرو می‌برند که زدودن این دوده کثیف تاریک قرن‌ها مدت لازم دارد.

یک بازرگان می‌تواند مغازه‌ای بگشاید و به انواع چاره‌ها، خواه مشروع خواه غیر مشروع، به دروغ و فریب مردم را بچاپد و بنام کسب و کار هستی مردم را بربايد، اگر به دیگران زبانی معنوی است اما روزنامه نگار اگر این روش را بکار بندد و بدین روش دکانی بگشاید و افکار مردم را مسموم سازد نه تنها نام انسان بر او نمی‌توان نهاد بل از حیوان بی‌زبان بی‌زبان فروتر است:

یا سخن آرای چو مردم به هوش یا بنشین همچو بهایم خموش

پنجاه سال پیش در تهران روزنامه‌هایی منتشر می‌شد که گردانندگان آن به فکر و روش خود ایمان داشتند، عقاید سیاسی و اجتماعی آنان مطرح نیست که کدام یک راهی به صواب می‌پیمودند یا به خطا، نکته دقیقی که منظور است پایداری و استواری آنان در عقایدشان است و گرچه بر خلاف یک دیگر بودند.

مرحوم علی اکبر داور روزنامه‌ای منتشر می‌کرد بنام «مرد آزاد» مندرجات روزنامه تحریک کننده و هیجان آور بود، شور و عشق اصلاحات کشوری در آن موج می‌زند، در آن دوران مستوفی الممالک‌ها دارای وجهه ملی بودند و هیچ کس یارای تخطئه این افراد را نداشت روزنامه مرد آزاد، این طبقه را سخت در هم کوبید که آقا منش بودن و وجهه‌ی ملی داشتن درد مملکت را دوا نمی‌کند.

روزنامه شفق سرخ به مدیری علی دشتی مقالاتی سیاسی و متنوع و موثر داشت، این روزنامه طرفدار تغییر سلطنت از دودمان قاجار بود خواه به روش جمهوری و خواه سلطنتی، و در این زمینه کوشش مداوم و پی‌گیر داشت و از رویه خود انحراف

نمی‌جست تا بالاخره هم اذهان مردم را آماده ساخت.

روزنامه طوفان به مدیری فرخی یزدی یاری و نویسندگانی چون محمود و عبدالحسین هژیر و فخرالدین شادمان پرچمدار انقلاب بود تا فرخی جان خود را بر سر عقیده‌اش نهاد.

این‌ها نمونه‌ای بود از روزنامه‌های پنجاه سال پیش که به مسلک و به مرام خود معتقد بودند و نویسندگان و یارانی هم آهنگ و هم فکر داشتند و هر کدام به راهی خاص مردم را می‌گرایاندند و تربیت می‌کردند و آزادی فکر و عقیده را می‌آموختند، چنان‌که امروزه هم در جهان متمدن روزنامه نگاران و نویسندگان در هر مسلک و مرام که گرویده‌اند راه می‌پیمایند و پیروان آن مسلک را راهنمایی می‌فرمایند.

هم اکنون در کشور عزیز ما در جراید و مجلات مانکاتی که آموزنده باشد و بارقه‌ای بدرخشد و فکری گشاینده پدید آرد نیست، خروارها کاغذ سیاه می‌کنند و عمر عزیز خواننده را تباه، نه به نیت خیراندیشی و راهنمایی، بل دکان‌هایی برای تجارت و سودگیری گشوده‌اند که ناپسندترین بازرگانی‌هاست از می‌فروشی و تریاک‌فروشی زیان بخش‌تر و زننده‌تر!

مجله یغما

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی